

وَسَأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِفُ لِلنَّاسِ وَالْحُجُجِ

۱۳۰۳
رساله رویه تهلان

در تاریخ احمد باهنما احمد طبع کردید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمین، الصلوة والسلام علی رسولہ محمد وآلہ وصحابہ اجمعین اما بعد ابن ربیع
 در بیان مسائل حلال منقول از کتب معتبره حسب فرمایش بر خورده در محمد علی زید علیہ السلام
 عام بخیر تحریر در آمد مسئله اگر اتیان بسبب ایراد قبار کدر است در آن بود اگر یک کس خبر
 بلائ سائید مقبول است بشرطیکه آنکس موصوف بوصف عدالت یا مستور الحال است
 و فاسق نباشد، مجلس دار القضا بودن و لفظ شمیمات بر زبان راندن و تقدم
 دعوی ضرورت ندارد و زیرا که در حقیقت این اخبار است شهادت نیست و همین
 جهت خبر غلام وزن محدودی القذف که ثابت شده است مقبول است و شهادت واحد
 بر واحد نیز مسموع است بخلاف سایر احکام که در آن بر هر یک از اصل شاهد و شاهد مسرع
 ضروری افتد و نیز بیان کیفیت ردیت شرط نیست دقل بلا دعوی و بلا لفظ آهتد و بلا حکم
 و مجلس قضاء لانه خبر لا شهادة للصوم مع ملة کتیم و غیره عدل او مستور علی صاحب الزمان
 علی خلاف ظاهر الروایة لا فاسق اتفاقا لدر المنجاری و فیها الضیاء ولو کان العدل قیاد
 اسی او محمد و دانی قذف تاب من کیفیت الروایة اولی علی المذنب و تقبل شهادة واحد علی
 آخر ائمتی و فی رد المنجاری بخلاف شهادة علی شهادة فی سایر الاحکام حیث لا تقبل ما لم
 یشهد علی شهادة کل رجل رجلان او رجل و امرتان ائمتی و مراد از صفت عدالت نیست
 که مرکب کبار و مصر بر صغائر نباشد و نیز از آنچه که محل مروت است مجتنب باشد و مسلم
 عاقل و بالغ باشد نگاه سخنش درین باب باین قبول خواهد رسید و الشرط اولی و ثانی و سومی
 الکبار و الاصرار لصغائر و ما یخل بالمرءة و یلزم ان یكون مسلما عاقل بالغ و المنجاری قیاد

دویدن قنابل سماجد شهر صوم لازم میشود فی الدر المختار ولو کانوا بیلده حاکم فیها صاموا بقول ثقه و مطر
 یا بخار عدلین مع اهلته للضرورة انہی و فی رد المحتار لکما و قریة و قال فی السراج و لو تفرد و بعد
 برویة فی قریة لیس فیها و الی و لم یات محضر المشہد و ہونکہ تصومون بقولہ الخ قلت و الظاہ انہ
 یترجم اہل القریة بالصوم لیس مع المدافع اور و تہ القادیل من لہ صلاہ علامتہ ظاہرہ تفسیر لعلیہ لظن
 و غلبہ لظن حجتہ موجبة للعقل کما صرحوا بہ و اما کون ذلک غیر رمضان بعد اولایہ فی مثل ذلک
 عا دة فی سبیلہ اشک الالبوت رمضان قولہ لہ حاکم فیہا لے لا قاضیہ دلایہ الی کما فی بفتح قولہ
 صاموا ی افتراضا مسئلہ اگر حاکم تہا ماہ صیام را دید اور اختیار بہت کہ مردم را حکم بروزہ در آن
 فرماید و برویت خود کہ تہا نامہ شخصی را از طرف خود مابہ کرد و نیندہ نزد شایدا سے شہادت رویت
 کردہ حکم صوم حاصل نماید کسی شاہد نمودہ گویش پیش خود صما نمودہ حکم فرماید بخلاف
 زیرا کہ رویت شخص واحد در ان کفایت نمیکند کما فی الدر المختار و لو راہ لہ حاکم و حدہ خیر فی الصوم
 بین نصیب شاہدین امر ہم با بصوم بخلاف بعد کما فی الجواہرہ انہی و فی رد المحتار قولہ بین
 نصیب شاہد لے یحتمل شہادۃ افادۃ ح ککن عبارة الجواہرہ بین نصیب من شہد عنہ الخ
 و الظاہ ان المعنی ان المحاکم نصیب رجلا نابا عنہ لیشہد عند ذلک التائب کما قالوا فیما وقت
 للمحاکم خصوصتہ مع آخر نصیب نابا لیتجا کما عنہ اولایہ صح حکمہ لنفسہ و یدل علی ذلک انہ وضع
 فی بعض النسخ نائب یدل شاہد انہی مسئلہ مدار اعتبار بر رویت مست و قول مخمین را درین باب
 اعتبار لے نیست زیرا کہ در حدیث شریف بروایت عمر رضی اللہ عنہما کہ فرمود و خواہد عالم صلے اللہ
 علیہ وسلم انما امیۃ لا کتب ولا خشیت ما عرب و کرم و سیم کہ حساب و کتاب را نمیدانیم الشہر کذا
 و کذا و کذا یعنی ماہ مخمین و مخمین و مخمین سہ بار بود و گشت ہر دو دست نمود و عقد الایہا
 فی الثالثہ دست نرنگشت را در بار سوم بر تعیین عدد دست و ہنہ تم قال یستر فرمود کہ اشہر
 ہکذا و ہکذا و ہکذا الی آنکہ نرنگشت را عقد کند یعنی تمام ثلثین در حالیکہ میخواہد حضرت صلے اللہ
 علیہ وسلم تمام عدد سنی را یعنی مرۃ ستا و عشرين و مرۃ ثلثین یعنی یکبار ماہ بست و نہ روز سنی
 و بار دیگر سنی روز ستفق علیہ و در حدیث دیگر است بروایت ابن عمر رضی اللہ عنہما کہ فرمود صلے اللہ علیہ وسلم
 ان تصوموا حتی ترو الہلال و لا تظن و حتی تروہ یعنی روزہ نذارند تا نہ بیند ہلال را و فطر کنند

بیست و یک روز بعد از نماز عید تا روز نهم عید فاقدر الله پس از پستی تود ماه بر تمام انعام یعنی یا بر
 پس اندازد کند ماه را یعنی بشمارید روزها سے اور اسی روز تمام کنید و کامل گردانید این
 عدد و در هر ماهی که پوشیده شده است بر شما در سبب لدنیہ گفته این مذہب است و مذہب
 امام مالک و امام ابو حنیفہ و جمہور سلف و بعضی گفته اند مراد تقدیر منازل قمر و ضبط حساب
 نجوم است تا دانسته شود کہ این ماه سی روز است یا سبست و در ذرا این قول غیر سدید است زیرا کہ
 در شرع قول منجمن نامقبول و نامعتبر است و تمام بدان توان کرد و آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم و صحاب
 و اتباع رضوان اللہ تعالیٰ علیہم سلف و خلف بر آن عمل نمودند و اعتبار نکردند و فی الدر المنجمن
 لا عبرة بقول الموقنین ولو عدوا لکل مذہب فی مساج الدرایۃ شرح الہدایہ لا یعتبر قولہم بالاجماع
 و عادت عرب نیز بر آن واقع نشده چنانکہ در حدیث است سخن امیۃ امیۃ لا تکتب ولا تحسب
 الحدیث و در روایتی وارد شد کہ شہرت و عشرین لیلۃ فان غم علیکم فاکملوا العدة ثلثین
 این روایت صریح است در نیکہ مراد شمارستی روز است نہ رعایت حساب نجوم و منازل قمر
 مستفوق علیہ ترجمہ شیخ احمد و روسے البخاری عن ابی ہریرۃ قال قال ابو القاسم صلی اللہ علیہ
 وسلم صوم الرویۃ و قطر الرویۃ فان غمی علیکم فاکملوا عدة شعبان ثلثین و فی فتاوی الاقوال
 للفقہ جمال الدین الدردینی الشافعی بحسب الصوم بالشمکال شعبان او برویۃ الهلال لا یحیی بمعرفة
 منازل القمر لا علی العارف و لا علی عبیرۃ و فی النہر الفائق لا یلزم بقول الموقنین انه لیس الهلال یکون
 فی السمار لیلۃ کما ان کا نوع و لا علی الصحیح و بعضی از علماء مثل امام سبکی شافعی و قاضی عبدالجبار و صاحب
 جمع العلوم و غیرہ بان رفته اند کہ اگر قول منجمن را اعتبار کنند باکی ندارد ولیکن اکثر علماء و این قول
 رد کردند و گفتند کہ عمار و بر قول منجمن اگر چه عدول و ثقات باشند بے حس است بلکه منجم را نیز
 نیست کہ بر حساب خویش بذات خود عمل نماید انہی و فی مساج الدرایۃ شرح الہدایہ و لا یجوز المنجم ان
 یعمل بحساب نفسه بلال نام غرہ قمر است و بعضی گفته اند تاہ و سبب بعضی تاہ شب و ہفت شب
 نیز گفته اند و در شب آخر ماه بسند ششم و سبب ہفتم و در خبر این شبها قمر است کہذا قال فی القاموس
 و مراد اینجا معنی اول است تاہ و برہ میشود و شب نخست ترجمہ شیخ مسلمہ تلاش شخص بلال نمود
 و او را دیدن سنت است و جبہ شد پس عمر رضی اللہ عنہما را از صحابہ رضی اللہ عنہما بہ سبب و نہ شعبان

طلب میکردند هلال را اگر میدیدند آنرا ایامی تسبیحند خبر آنرا روزه میدهند و اگر مطلع صاف بی علت
 می بود فصاحت می نمودند اگر علت بود روزه میدهند و حمل میکردند این را بر صوم نسل و عن
 رضی الله عنهما ذلت هان رسول الله صلی الله علیه وسلم تحفظ من شعبان بالاحتیاط من غیره
 یعنی گفت حضرت عائشه رضی الله عنهما که بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که یا میداشت ایام
 و کتابانی میکرد آنچه نبرد از غیر شعبان فی الصراح یعنی تکلف میکرد و سبالت می نمود در شمردن ایام
 شعبان بر سه محاذ ذلت ایام ماه رمضان و صوم از تحفظ بسیار بودن و بیدار بودن و یکسره
 یاد کردن و عن ابی هریره رضی الله عنه قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم صوموا هلال شعبان
 شمار کند ماه شعبان را از بر سه تحقیق : در رمضان تا عدد ایام وی مشخص گردد و معلوم کند
 که سبت و نه است یا سی روایه الترمذی مسئله کرده است اشاره کردن بومی هلال زیرا که
 این عمل جاهلیت است و بخار نقل عن اسرجیه و ابی ازیة و صار ذل الخمار گفته که ظاهر اینست
 که اگر این اشاره با او نمودن بدیگره باشد که مذید است و ظاهر علت مقتضی است که
 گرفته تنزیه است انہی و عن ابی بکره قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم شهر عید لا یقتسان دو
 ماه عید اند که کم منی شریعت یعنی در حکم شریعت و ثواب آخرت اگر چه در عدد کم شوند و سبت و نه است
 آن دو ماه کدام اند رمضان و ذی الحجج متفق علیه و عن ابی هریره رضی الله عنه قال قال رسول الله صلی
 علیه وسلم لا یقتد من احکم رمضان بصوم یوم او یومین باید که پیشی نماند یکی از شمار رمضان را بر روزه
 یکروز یا دو روز الا انیکون رجل کان یصوم صوماً لکنه باشد مردی که بود روز میداشت و اتفاقاً
 پیش از رمضان آن روز واقع شد فلیصم ذلکسا ایوم پس باید که روزه وارد آن روز را بجز
 گفته اند که این نهی مخصوص است بصدقا و آنحضرت صلی الله علیه وسلم جمع کرده است میان صوم
 شعبان و رمضان متفق علیه و عن ابی هریره رضی الله عنه قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم
 اذا انتقصت شعبان فلا تصوموا چون نیمه رسد ماه شعبان پس روزه نذارید این نیز در حق
 کسی که قوت ندارد پیاپی و شستن روزه نارواه ابوداود و الترمذی و ابن ماجه و الدارمی
 و عن ام سلمه رضی الله عنها قالت ما ریت ابنتی صلی الله علیه وسلم صام شهرین متتابعین الا شعبان و رمضان
 روایه ابوداود و الترمذی و النسائی و ابن ماجه و الدارمی بدانکه بوم الشک عبارت است از

روزیکه احتمال دارد که از رمضان باشد و احتمال که نباشد به پوشیده شدن هلال از ابر یا غیره
 و شب بست و بهم علماء را اختلاف است و روز آن و مختار نزد امام اجماعیست و مالک و شافعی
 و اکثر ائمه آنست که روز شنبه روزه ندارند که مکروه است روزه دوازدهمین در آن روز و اگر دارند
 به نیت نفل دارند و ثانی الحال اگر این روز از رمضان ثابت شود روزه هم از رمضان واقع
 خواهد شد و مستحب است نزد ما کسی را که موافق افتد روزی که عادت دارد روزه دوازدهمین و درین روز
 مرخص را و غیر ایشان افطار کنند بعد از نصف نهار و امام محمد و جامعه از علماء میگویند اگر آبها
 ملتی باشد روز شنبه نیست و حساب کرده میشود روزه وی از رمضان و این عمر و بسیاری
 از صحابه چون یگانه شت از شعبان بست و نه روز طلب میکردند هلال را اگر میدیدند آنرا می
 پشیدند و خبر آنرا روزه میداشتند و اگر مطلع صاف بی علتی بود افطار نمیدادند و اگر علت
 بودی روزه میداشتند و حمل میکردند این را بر صوم نفل و آنکه در حدیث عمار بن یاسر آمده در
 بیان قربیت روزه ماه رمضان میدارند و الله اعلم البتة ترجمه شیخ رحمة الله علیه و تفسیر
 صاف باشد براسه هلال رمضان و عید افطار دیدن یک کس کفایت نمیکند بلکه جمع عظیم باید
 که باخبار ایشان ظن غالب حاصل آید و عدالت و حریت و دعوی در بنیاب شرط نیست
 و حد تواریخ شرط نیست بلکه چند کس که بجز ایشان غلبه ظن حاصل می شود اگر شهادت
 رویت دادند هلال ثابت میشود و از امام ابو یوسف رح مروی است که پنجاه کس باید یعنی
 گویند که اکثر اهل محل باشند و بعضی بر آنند که از هر مسجد یک یا دو کس باشند و صحیح آنست که این امر
 مفروض بر سه حاکم است اگر نپارود که این خبر صحیح است و این مقدار شهود کثیرانند و کفایت میکند
 هر قدر که باشد از صوم فرماید و در روایتی از امام آمده که در صورت صفائی مطلع هم دو شاهدین
 و جمع عظیم حاجب نذار و صاحب بجز رایت این روایت پسندید و گفته که در زمان ما برین
 روایت عمل سزاوار است زیرا که درین عصر مردم در امور و سبب نفاصل دارند و کم کسانند که
 بدین هلال اتمام نمایند پس اگر جمع عظیم در شرط نماند با باشد بعد و در زیاده روز خبر هلال
 بتحقیق رسد و آنرا جمع عظیم شرط کردند و پیشتر این بود که چون روزه هلال صد تا کس چشم
 بر فلک میزدند اگر دو کس گویند که ناطق بر آید و دو گواهی دهد و آنرا که جمعی از صحابه

معلوم شد که ایشان غلط کرده اند چه اگر همه میدیدند و این سببت در هنگام تکامل مردم
 یافته نمیشود زیرا که بسیار مردم بر آن دیدن نیز خاستند همین دوستی که شخص نمودند و دیدند و این
 نزاع دقیقی است که همه بینندگان در مطلع واحد و مکان مستوی باشند و اگر شهریان را هلال
 بنظر نماند و شخصی از بیرون شهر آمده گفت که من هلال را بیرون شهر دیدم یا کسی گفت که من از
 فلان جا سه بله نظر کردم یا آنکه مطلع صفاست رویت این یک کس کفایت خواهد کرد زیرا که
 هواد صحرانیت به هواد شهر صافتر است باشد و همچنین رویت با اعتبار سستی و بلند سی مکان مختلف
 میشود و کذا فی رد المحتار مسئله و قیید مطلع صاف باشد و جمیع عظیم که در مجال شرط است بهم
 نرسد حیل اثبات ماه رمضان و عید است که شخصی بر دیگری دعوی کند که تو قرض داده ام
 بوعده اینکه هرگاه ماه رمضان یا شوال فرارسد ادا نمایی. آن دیگر قرار دین نماید لیکن انکار
 و دخول رمضان یا شوال کند پس این مدعی دو گواه بر دیدن هلال گزاراند و قاضی با دایه قرض
 حکم فرماید و در صورت ضمن اثبات این حق عید ثبوت ماه بدو شایع شود و در شرح شریف بسا
 امور آنکه اصالة ثابت نمیشوند و ضمناً ثابت میشوند مسئله اگر بگفته دو کس عادل روزه
 و شست و شوی روز تمام شد و ماه عید بنظر نا بدی رویت اظهار نماید مطلع صاف باشد یا کله روزه
 اکثر علماء و اگر بگفته یک کس روزه و شست و شوی روز تمام کردند و بسبب ابر هلال عید بنظر نماند
 عید باین حساب درست نمی شود بالاتفاق و اگر مطلع صاف باشد و هلال عید دیده نشود نزد امام
 بوجیه ضرر و امام ابو یوسف درست نیست و نزد امام محمد درست است زیرا که اگر چه عید بقول یک
 شخص ثابت نمیشود لیکن هرگاه در مناسن بگفته آن کس ثابت شد بعد انقضاء مدت سنی روزه عظیم
 بتعیین آن به ثبوت رسید و قول امام محمد است حکم من شیئ یثبت ضمناً و لا یشیت قصد بکنایه
 رد المحتار نقل می نماید البیان مسئله که مردم گواهی دادند که نزد قاضی فلان بلده رویت
 هلال شبهات ثابت شد در قاضی او را بجوم فرمود این قاضی را هم باید که مردم را امر بجوم فرماید
 زیرا که قضاة قاضی محبه شرعیست و این مردم ثبوت آن حجه گواهی دادند و اگر گواهی بر رویت
 دیگران دادند درست نیست زیرا که در ثبوت نه گواهی رویت خودشان است و نه گواهی بر رویت
 دیگران است بلکه حکایت رویت غیر است و همچنین اگر گفته که مردم فلان بلده هلال را دیدند و قاضی

و اگر بعد زوال بنظر آید از شب آینده باید فهمید و نزد امام ابوحنیفه و امام محمد و امام احمد و امام شافعی در هر دو حال
 از شب آینده است و رویت نهی اعتبار ندارد پس اگر تا پنج نیم روز جمع قبل زوال بطلان بنظر آید
 نزد امام ابو یوسف این بطلان از شب گذشته است گو یا که در شب جمعه نمودار گشته غائب شد بعد
 در روز جمعه بیدار گشت در روز جمعه غره شهر است اگر رمضان است روزه اش واجب است
 و اگر شوال است عید کردن لازم و نزد طرفین این ماه از شب آینده است در روز شنبه غره
 ماه است و در رد المحتار از فتح القدر آورده که مختار همین قول است و اگر بعد زوال دیده شود
 نزد علماء مثل محمد بن اسماعیل از شب آینده محسوب خواهد شد و غره ماه از فردای آن و همچنین اگر
 بتایخ نسبت و بنهم در روز نمودار شود بالاتفاق از شب آینده معدوم خواهد شد و الا لازم آید که
 ایام ماه بست و هفت شوند و ذلک خلف مسئله اختلاف مطالع معتبر نیست بر ظاهر مذکور برین
 اندک که مشایخ و همین است مفتی به پس هر گاه که نزد اهل مشرق بطریق موجب رویت اهل منزل
 ثبوت رسد بر ایشان صوم یا فطر هر چه باشد لازم گردد بگذافی رد المحتار و مراد از طریق منزل
 است که دو کس متحمل شهادت رویت شوند یا گواهی حکم قاضی آنجا دهند یا بطور استقامت
 خبر رسد چنانکه بالا سطور شد و امام زینلی گفته که شبه بصواب نیست که اختلاف مطالع را اعتبار کنند
 لیکن کمال گفته که عمل بظاهر روایت احوط است بگذافی اندر و مخفی نماند که در نفس اختلاف مطالع
 زاع نیست زیرا که بسبب تحریف سطح زمین حالات طلوع و غروب مختلف است و هر گاه که در
 شرق آفتاب طلوع شود در مغرب هنوز شب باشد بلکه آفتاب هر دو در فلک که طی کند طلوع
 بحر باشد در حق قومی و طلوع شمس باشد در حق دیگران و غروب باشد نزد بعضی و نصف شب
 باشد بر دیگران و اهل بیت بر آنند که میان هر دو شهر که شرقاً و غرباً بنا صله یکبار میل اندد طلوع
 و غروب آفتاب و شفق و فجر تفاوت یک ساعت بخوبی میشود زیرا که آسمان و زمین راسته صفت
 صده قرار داده بر صده را با هم درجه نامیده اند و آفتاب هر روز در لب و چهار ساعت این همه را
 میکند پس باین حساب در هر ساعت پانزده درجه فلک را طی نماید و همچنین بمجاذات آسمان
 پانزده درجه زمین را طی میکند و پانزده درجه زمین بسا یکبار میل است پس هر شهر از شهر دیگر
 یکبار میل شرقی خواهد بود و آفتاب در آن یک ساعت پیش از شهر غربی طلوع و غروب خواهد نمود

اگر شش هزار میل فاصله دارد تفاوت دو پیر واقع خواهد شد پس هر گاه که در شهر شرقی افق باشد
 باطل خواهد شد در شهر غربی نصف شب باقی خواهد بود و هر گاه که در اینجا دو پیر روز خواهد بود
 هر غربی طلوع خواهد شد و همچنین تفاوت در طلوع و غروب ماه خواهد شد و طریق دریافت
 این تفاوت آنست که هنگام خوف قمر که به کمان معما محسوس میشود ریاضی دانان هر شهر آن وقت
 علم بنویسند که چندین ساعت از شب گذشته قمر منخف گشته و یکدیگر را مطلع میسازند پس معلوم
 میشود که در شهر و طریقی مثلاً اگر بعد دو ساعت از غروب آفتاب خوف قمر واقع شده و در شهر یک
 بقاصد یک هزار میل بجانب شرق واقع است در آن هنگام سه ساعت شب گذشته باشد و مطابقاً
 مسافت یک هزار میل بجانب غرب واقع است یک ساعت شب گذشته باشد و اگر شهری مسافت
 پانصد میل باشد تفاوت سنی دقیقه خواهد بود و اگر مسافت یکصد میل تفاوت شش دقیقه خواهد
 بود و علی بن اقیس و صفار در الحار از شرح منہاج رطی آورده که اختلاف مطالع در تکرار است چه
 در سنگ امکان ندارد و نزاع نیست مگر در اعتبار آن یعنی هر قوم را اعتبار مطالع خود واجب است
 و عمل بمطالع غیر لازم نیست یا آنکه اختلاف مطالع معتبر نیست بلکه هر جا که پیشتر دیده بکمان را عمل
 واجب است حتی که اگر در شرق شب جمعه دیده و در مغرب شب شنبه واجب گرد و در مغرب
 عمل موافق رویت شرقیان قبضی بادل رفتند و معتقد نیست آنرا یعنی و صاحب لقیض و همین صحیح است
 نزد شافعیه زیرا که هر قوم مکلف اند با آنچه که نزد او شان است چنانکه در اوقات نماز و موید کرد این
 قول را در در مسئله عدم وجوب عشاء و تر بر نیابنده وقت آن هر دو و قول ثانی ظاهر الروایه است
 و همین است معتقد نزد ما و نزدیکه و خالبه زیرا که خطاب در نیاب عموماً مطلق رویت متعلق است
 در حدیث صوم الروایه آمده بخلاف اوقات نماز بلکه آنی رد و الحار و نیز در آن است که مفهوم از کلام فقو
 آنست که در حج اختلاف مطالع معتبر باشد پس اگر طهارت شود که در یلده دیگر بگردن پیشتر از آنکه معطله ماه دیده
 لازم می آید و ظاهر آنست که در حق اضحیه بر سه غیر حجاج نیز همین باشد پس کافی باشد اضحیه روز و روز
 در حساب دیگران آن روز نیز بهم باشد زیرا که عدم اعتبار مطالع در صوم بحیث آنست که تعلق
 بملق رویت است و اضحیه بخلاف آنست و ظاهر آنست که حکمش از آن اوقات گذشته است

اشتهار

الحمد لله الذي جعلنا من رسالته رويت لئلا تصيف لمحقق والمدقق مولوی محمد عنایت
 دہلوی قلم لکھو۔ آباوی ہر اسکے رفقاء عام خصوصاً باشندگان شہر حیدرآباد
 فرخندہ بنیاد بقیع مولوی سید عبدالنصاحب نواسہ حضرت مولانا شاہ
 رفیع الدین صاحب رحمۃ اللہ علیہ در شہر دہلی در مطبع احمدی باہتمام
 احمد مستحیانیہ ماہ سبہ ماہ جو عکس گردیدہ در سالہ دیگر در بیان کیفیت زمین
 بندہ دستخان تصنیف حضرت شیخ جلال تہانیری قدس سرہ العزیز
 بدو پیوستہ ہر صاحب را کہ مطلوب باشد ہر دو رسالہ مذکورہ بقیمت یک آن
 از کوٹھی سہارمی مشفقہ مدرسہ کہندہ لانا شاہ عبدالعزیز قدس سرہ طلب فرمائید
 الحمد لله ولا حول ولا قوت الا باللہ العلی العظیم سید احمد ہتم کوٹھی کتب واقع دہلی
 متعلقہ مدرسہ کہت مولانا شاہ عبدالعزیز محدث دہلوی رحمہ اللہ علیہ شہر میان المعظم